

گفت‌وگویی صبا با عوامل نمایش «تاری»

جنونی در چند قدمی فروپاشی

محمد برهنی که در کارنامه کاری اش نمایش‌هایی مثل آئنده نازنین، سیزیف، زندگی در تئاتر و... را دارد این بار با نمایش «تاری» در سالن استاد سمندریان تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه می‌رود. نمایش «تاری» به نویسندگی مشترک پویا صادقی و عاطفه غیبی به سبکی سورئال و در فضایی بسته از دکوری با سازهای سه ضلعی که دیوارهای آن توری است و با دو بازیگر مهشید خدادی و مجید اسدی اجرا می‌شود. در بخش‌هایی کاراکتر سومی

مریم عظیمی
گفت‌وگو

در ابتدا می‌خواستیم نمایشنامه «پادشاه یک چشم» اثر کارلوس فونتنس را کار کنیم اما یک سری از دغدغه‌ها و اتفاقاتی که پیرامونم افتاد مرا به این سمت سوق داد و از پویا صادقی و عاطفه غیبی به عنوان نویسنده و از محمود خسروپرست به عنوان مشاور متن دعوت کردم تا به یک متن جدید برسیم.

در مورد طرح کارگردانی و آنچه بیشتر مورد توجه شماست بگویید.

در ابتدای کار قسمت‌هایی از طرح کارگردانی در ذهنم وجود دارد اما نهایتاً در حین تمرینات است که طرح کارگردانی من شکل می‌گیرد و کامل می‌شود. تمام تلاش من بر آن است زحمتی که بازیگران می‌کشند و آن خالص‌ترین و دیده نشده‌ترین حرکاتشان روی صحنه برود و در نهایت من به آن فرمی که می‌خواهم و تاکنون ندیده‌ام برسم، فرمی که تا این لحظه از آن استفاده نشده باشد و آن چیزی باشد که ایده آل من است.

چه مولفه‌هایی در طراحی حرکات در نظر

گرفته‌اید؟

در این نمایش زن و مرد به ناچار دچار این حرکات هستند. یعنی این حرکات بر اثر یک جنون و دیوانگی، باید شکل می‌گرفت. از آنجایی که دو پارت اول نمایش به صورت بازی در بازی و نمایش در نمایش است و در صحنه سوم همه چیز رئال می‌شود، من احساس کردم در بخش‌های نمایش در نمایش به یک سری حرکات بیش از حد و اغراق شده نیاز داریم که به همان جنونی برمی‌گردد که به خاطر تنهایی در قصر به این زن و مرد دست داده است.

همکاری با پردیس زارع در زمینه طراحی حرکات



محمد برهنی، کارگردان:

کشف و شهودی که حاصلش زایشی یگانه است

در ابتدا در مورد ایده، شکل گیری متن و همکاری با نویسندگان بگویید.

برای من انتخاب یک متن بیشتر شبیه به امر کشف است، حادثه‌ای که در آن دغدغه‌ها، رنج‌ها و تخیلاتی که در بازه‌های زمانی مختلفی در ذهن من وجود دارد را کشف می‌کنم و این کشف منجر به آغاز رابطه عمیقی میان من و متن می‌شود، روندی که در آن تلاش می‌کنم که نه تنها جهان محبوس روی کاغذ را به امری زنده بدل کنم، بلکه منجر به زایش فرزندی ثانویه می‌شود که حاصل هم‌سویی، نویسنده و کارگردان است. اما آنچه در تجربه اخیر متفاوت است، این نکته است که کشف یک اثر جای خود را به امر کشف و شهود داده و این رخداد باعث زایشی یگانه بوده است که بر خلاف زایش مذکور، این اتفاق توامان و همراه با هر لحظه خلق و زایش کارگردان است. من